



خانه کاموا

بورس انواع کاموهای ایرانی و ترک

مدیریت: صیدالو - ۰۹۳۹۵۶۷۴۹۶۵

آدرس: گرگان، میدان مدرس، کوی طالقانی، طالقانی
یکم، جنب آژانس کوهسار



گلشن مهر

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۲۳۳۰ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

یادداشت اول

چراغ امید را روشن نگه داریم

■ با مسولیت سردبیر

همیشه می شود نا امید بود و مدام از همه ی زمین و زمان شکایت داشت، همیشه می شود تلخ گفت و شور نوشت و با کنایه دهان باز کرد و باب گلابه را باز گذاشت و البته که همگان نیز حق دارند هر چه می خواهند بگویند و هر کس نیز اختیار خود را دارد و صلاح مملکت خویش را نیز خسروان دانند و... اما سخن ما در این مجال با آن اندک بزرگان و نخبگانی است که در درون خویش، خود را اندکی برجسته تر از دیگران می شمارند و گمان دارند که صاحب فضل و دانشی هستند که دیگران از آن بی بهره اند و تلاش می کنند جریده راه برونند تا از گذرگاهها به عافیت بگذرند، آنها در چنین دورانی که از منجنیق فلک سنگ فتنه باریدن گرفته است کجای داستان هستند؟ آیا آنها هم باید ناامید باشند؟ آیا آنها هم باید دست روی دست بگذارند تا به هر دلیل کار از دست بشود؟ آیا آنها برای خود رسالتی قائل نیستند؟ آیا و دهها آیا و امای دیگر که باید نخبگان و صاحبان فضل و دانایی از خود بپرسند و برای آن پاسخی درخور بیابند تا بتوانند بر موج فزاینده ناامیدی فائق شوند، باری همه حق دارند نا امید باشند جز نخبگان چراغ به دستی که ملت از آنها انتظار دارد در تاریکی ها اندکی پیش روی آنها را با چراغ دانایی روشن کنند، همه حق دارند ناامید باشند مگر آنها که بیشتر می دانند و دغدغه ایران بزرگ را در سر دارند، همه حق دارند ناامید باشند مگر آنها که نگرانی هایشان از جنس اخلاق و انسانیت است و در وجودشان اضطرابی از جنس آینده ایران و فرزندان این آب و خاک است، بنابراین اگر شما مخاطب گرمی در تنهایی خویش، خود را از گروهی می دانید که اندکی بیش از دیگران می داند باید دست بر زانوی همت بگذاری و در این بن بست برای خانواده، همشهریان و... راهی به دهی بگشایی و بدانی که تاریخ طولانی این مرز پر گهر مملو از فراز و نشیبهایی بوده است که برای گذر از آن باید امیدوارانه تلاش کرد.



نیازهای کاذب چطور ما را سمت مصرف گرایی می برند؟



۱۸۰ روستا مستعد توسعه گردشگری است



سازمان همیاری شهرداریها آماده سرمایه گذاری تله کابین گرگان

چالشی به نام آلودگی



ملی می خواهد. دولت و مردم، همه مقصرند و همه مسولند و اگر قرار باشد از این چالشها نجات یابیم همه باید به وظایف خود آشنا باشند و در رفع موانع همه باهم در بهبود کمی و کیفی آب هوا و خاک بکوشیم.

عضوبان نشسته
هیات علمی دانشگاه

و کمتر جایی وجود دارد که مبتلا به این آلودگی ها نباشد. در شهرها و کلان شهرها نیز به دلیل قدیمی و فرسوده بودن شبکه های آبرسانی، گاهی شهروندان با خطر آلودگی، گل آلود بودن آب، انواع آلودگی انگلی و میکربی و خلاصه ابتلا به بیماریهای مختلف روبرو می شوند. رفع این چالشها یک عزم

فاضلابهای خانگی بیمارستانی، صنعتی و اداری، مواد نفتی، آبهای کشاورزی آلوده به کود، سموم و علف کشها در طبیعت (نهرها و رودخانه ها) و نفوذ تدریجی این مواد آلاینده به اعماق خاک و سفره های آب زیرزمینی باعث شده است که در همه جای کشور با هوا خاک و آب آلوده در تماس باشیم

فروتنست زمین در اکثر استان های ایران که باعث تخریب تاسیسات زیر بنایی، تاریخی و باغها مزارع شده است. خطر آلودگی این سفرها به دلائلی چون افزایش جمعیت انسان و دام، تبدیل روستاها به شهرها، فقدان سرویسهای بهداشتی در اکثر روستاها و شهرکهای حاشیه شهرها، رها کردن زیانه و

نوروز علی حسن عباسی - منابع آب زیرزمینی همانند منابع آب سطحی هوا و خاک در معرض انواع تهدید و آلودگی است. برداشت و مصرف بی رویه منابع آب زیرزمینی باعث خالی شدن ذخایر زیرزمینی شده که پیامد بزرگ آن خشک شدن چاه ها و چشمه ها و آبگیرهای وابسته به چشمه ها، همچنین

سازمان همیاری شهرداری ها آماده سرمایه گذاری تله کابین گرگان



مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری های گلستان گفت: این سازمان آماده سرمایه گذاری برای تله کابین گرگان، هتل ناهارخوران، پارک النگدره و دیگر پروژه های شهرداری گرگان است. به گزارش روابط عمومی، علیرضا پرهان اظهار کرد: علاوه بر آن سازمان همیاری شهرداری های گلستان از ظرفیت سرمایه گذاری در دیگر طرح ها تا سقف ۱۰ هزار میلیارد ریال برخوردار است. وی بیان کرد: در پروژه گردشگری آشوراده، مشاور دارای صلاحیت به کار گرفته شد تا پیش نیازهای اخذ مجوز محیط زیست، میراث فرهنگی و شورای اقتصاد

پذیرایی از مسافران نوروزی به وقت افطار



فرماندار گنبدکاووس با اشاره به تقارن ماه مبارک رمضان با تعطیلات نوروزی، بر لزوم استقبال از مسافران و گردشگران پس از افطار در این شهرستان مرزی تاکید کرد و گفت: گنبدکاووس ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به مقصد گردشگری دارد که باید با برنامه ریزی اصولی از آن استفاده شود. به گزارش روابط عمومی، مهدی دهرویه افزود: استقبال و پذیرایی از مسافران و گردشگران نوروزی با حفظ حرمت ماه رمضان انجام شود. وی هم گرایبی و هم گزایی مدیران کمیته های ۱۰ گانه سفر گنبدکاووس لازمه ارائه خدمات مطلوب به گردشگران نوروزی دانست و اضافه کرد: کمیته های خدمات سفر این شهرستان باید مقدمات این میزبانی را فراهم کنند. دهرویه ادامه داد: علاوه بر نظافت کلی تفرجگاه ها و محوطه اماکن تاریخی و زیارتی گنبدکاووس، باید نظافت و پاکیزگی جایگاه های سوخت، سرویس های بهداشتی و نمازخانه ها نیز به طور کامل انجام شود. فرماندار گنبدکاووس همچنین بر لزوم تشکیل تیم ویژه بازرسی بازدید و نظارت بر عملکرد کمیته های ستاد خدمات سفر این شهرستان تاکید کرد. رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گنبدکاووس هم در این نشست گفت: در ایام تعطیلات نوروزی علاوه بر اجرای برنامه های فرهنگی در جوار بلندترین گنبد آجری جهان، بازارچه صنایع دستی و سوغات نیز برپا خواهد شد. مریم آق آتابای افزود: به سبب تقارن تعطیلات نوروز سال آینده با ماه مبارک رمضان، تمامی برنامه های فرهنگی و هنری و نوروزگاهها در مناطق شهری و روستایی پس از افطار برگزار می شود. به گفته وی، پذیرایی با افطاری ساده، فعالیت برخی واحدهای خدماتی، رفاهی و صنفی به صورت کشیک از دیگر برنامه های ستاد خدمات سفر گنبدکاووس است. در این جلسه همچنین برخی روسای ادارات خدمات رسان از جمله هلال احمر، راهداری و حمل و نقل جاده ای، شهرداری و شبکه بهداشت و درمان گنبدکاووس آمادگی خود را ارائه خدمات به مسافران و گردشگران نوروزی اعلام کردند.

فرماندار ترکمن گفت: گمرک بندر ترکمن پس از سالها تعطیلی در دولت سیزدهم احیا شد و صادرات کالا از این مبدا به طور مستمر در حال رشد است. به گزارش روابط عمومی، نورمحمد جعفری افزود: از ابتدای امسال تاکنون ۱۰۰ نوع کالا به مقدار ۲۷ هزار و ۴۰۰ تن به ارزش ۱۶ میلیون و ۸۵۰ هزار دلار از گمرک این شهرستان به ۱۴ کشور صادر شد که ۴.۵ برابر بیشتر از مدت مشابه سال قبل است. وی به برنامه های این شهرستان در دهه فجر امسال اشاره کرد و گفت: در این مدت ۵۱۳ طرح اقتصادی و عمرانی با هزینه

گمرک بندر ترکمن احیا شد

پنج هزار و ۳۱۱ میلیارد ریال به بهره برداری خواهد رسید که از این تعداد، ۴۶۰ طرح اقتصادی با هزینه ۲ هزار و ۸۴۵ میلیارد ریال و بقیه عمرانی است. جعفری گفت: احیای خلیج گرگان با لایروبی کانال اصلی آشوراده به طول ۱۰ کیلومتر را یکی از اقدامات موثر دولت سیزدهم دانست و گفت: با اجرای این طرح، از ورود ریزگردها به منطقه و خشک شدن ۶۰ هزار هکتار از مساحت این پهنه جلوگیری شد. به گفته وی برای لایروبی کانال آشوراده و اتصال دریای خزر و خلیج گرگان، پنج هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال هزینه شد.



آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به استناد ماده ۱۱ آیین نامه معاملات شهرداری نسبت به اجاره جایگاه عرضه گاز CNG جرجان (قابوس) برای مدت دو سال بر مبنای پایه کارشناسی از طریق مزایده عمومی اقدام نماید، لذا متقاضیان می توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ لغایت مورخه ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهردار گرگان

شناسه آگهی ۱۶۵۷۳۸۲

| شماره | آدرس | شرح مشخصات جایگاه | مدت اجاره بهاء | مبلغ تضمین شرکت در مزایده (ریال) | مبلغ کارشناسی اجاره بهاء (ریال) |
|-------|---|--|----------------|----------------------------------|---|
| ۱ | بلوار جرجان، خیابان قابوس (جرجان چهارم) | مساحت جایگاه حدود ۱۱۱۰ متر مربع این جایگاه دارای ۳ تکیه (میسینر) safe با ۶ نازل فعال بوده که در حال حاضر ۵ نازل فعال می باشد. کمپرسور safe جایگاه دارای ظرفیت بالغ بر ۱۵۰۰ متر مکعب بر ساعت بوده و تعداد معاین ذخیره گاز جایگاه بالغ بر ۲۲ عدد می باشد و یک ساختمان به مساحت ۷۵ متر مربع جهت انجام کارهای امور اداری و مدیریت می باشد. | دو سال | ۹۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ | اجاره ماهیانه برای اول سال اول به مبلغ ۴۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال جمع کل یک سال ۸ / ۴۰۰ / ۰۰۰ ریال برای سال دوم ماهیانه ۵۵۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال جمع کل دوم سال ۱۰ / ۲۰۰ / ۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال به مبلغ ۱۸ / ۶۰۰ / ۰۰۰ ریال |



تجدید آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به اجرای عملیات ساماندهی تولید، انتقال و دفع پسماندهای عمرانی و ساختمانی و فاضلاب شهر گرگان و ایجاد ایستگاه موقت خاک و نخاله (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ماهیانه به مبلغ ۵۸۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال و جمع کل یکسال به مبلغ ۶ / ۹۶۰ / ۰۰۰ ریال بدون تعدیل بر مبنای دفترچه امور پیمان از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا کلیه شرکت های پیمانکاری واجد شرایط می توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ لغایت ساعت ۱۴:۱۵ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ به سامانه ستاد به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۶۵۷۳۸۴

گلشن مهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵

۱۸۰ روستا مستعد توسعه گردشگری است



رهایی گروگان از چنگال آدم‌ربایان



فرمانده انتظامی علی‌آبادکتول گفت: گروگان گرفتار شده در چنگال آدم‌ربایان با همکاری مشترک مأمورین انتظامی گلستان و استان کرمان، نجات یافت. به گزارش روابط عمومی، حسین نوروزی اظهار کرد: پس از اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر آدم‌ربایی و گروگان‌گیری در علی‌آبادکتول، رسیدگی به موضوع در دستور کار تیمی ویژه از مأموران پلیس آگاهی شهرستان قرار گرفت. وی افزود: طی بررسی‌های انجام شده، مشخص شد متهمان با ۲ دستگاه خودروی سواری، گروگان را از جلوی در منزل شخصی وی ربوده و به مکانی نامعلوم متواری شدند. وی بیان کرد: با اشراف و اقدامات اطلاعاتی و تخصصی پلیس، رد پای متهمان در استان خراسان شمالی شناسایی شد که پس از هماهنگی قضائی و با سرعت عمل مأموران، سه نفر از آنان دستگیر شدند. فرمانده انتظامی علی‌آبادکتول گفت: در تحقیقات صورت گرفته، مشخص شد گروگان توسط اعضای دیگر باند به استان کرمان منتقل شده است. نوروزی اضافه کرد: با تلاش مأموران و همکاری پلیس کرمان، مخفیگاه متهمان شناسایی و در یک عملیات هدفمند گروگان آزاد شد. وی ادامه داد: در عملیات دستگیری آدم‌ربایان که با تعقیب و گریز همراه شد، یکی از متهمان دستگیر شد و متهم دیگر طی درگیری با مأموران انتظامی مجروح و پس از انتقال به مراکز درمانی فوت کرد. فرمانده انتظامی علی‌آبادکتول با اشاره به این که گروگان صحیح و سالم تحویل خانواده شد، گفت: متهمان در تحقیقات تخصصی پلیس انگیزه خود از این اقدام را اختلافات مالی با خانواده گروگان اعلام کردند.



وامنان آزادشهر در حوزه باغبانی زعفران، عطاآباد آق‌قلا در حوزه تولید مبل و پنج پیکر شهرستان ترکمن در حوزه فروش پارچه‌روستاها موفق توسعه اقتصادی گلستان هستند. محب حسینی گفت: ۶۳ طرح توسعه روستایی گلستان با هزینه هزار میلیارد ریال آماده بهره‌برداری در دهه فجر سال جاری است. وی خاطر نشان کرد: علاوه بر این، ۴۰ طرح جشنواره فرهنگ و اقتصاد روستا تدارک دیده شده که در مناطق روستایی استان برگزار خواهد شد.

استان، ۶۳ جشنواره فرهنگ و اقتصاد روستا برگزار شده است. مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان گفت: با توجه به این که پنج دهک نخست استان، روستایی هستند برای تحول درآمد آنان طرح توسعه و پیشرفت این جامعه هدف طی ۲ سال اخیر به اجرا درآمده است. وی ادامه داد: در این استان مدل توسعه و پیشرفت اقتصادی در ۱۱۰ روستا در دستور کار قرار گرفته که اکنون اجرای آن با بهره‌گیری از ۶ روستای موفق در حال افزایش است. به گفته وی روستاهای

مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان گفت: ۱۸۰ روستای این استان شمالی مستعد توسعه گردشگری و آماده ایجاد تفرجگاه و بوم‌گردی است. به گزارش روابط عمومی، سیدکمال‌محب حسینی افزود: در این راستا تفاهم‌نامه صدور موافقت‌نامه و پروانه برای ایجاد زیرساخت گردشگری استان میان قرارگاه جهادی وزارت کشور و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منعقد شده است. به گفته وی طی ۲ سال اخیر نیز برای معرفی ظرفیت‌های گردشگری



سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان

آگهی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان



سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان

در اجرای مواد ۵۲، ۵۳ و ۵۴ آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، نوبت اول مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان در روز شنبه ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ ساعت ۱۴ در محل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان برگزار می‌گردد. در صورت به حد نصاب نرسیدن نوبت اول، نوبت دوم مجمع روز یکشنبه ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ از ساعت ۱۵ الی ۱۸ در محل کانون طه گرگان (خیابان شهید رجایی - جنب استخر معلم) برگزار خواهد شد.

دستور جلسه: - استقرار هیات ریسه موقت - استقرار هیات ریسه اصلی

- تعیین حق الزحمه ارکان سازمان (هیات مدیره، شورای انتظامی و بازرسان برای سال ۱۴۰۳)

- تعیین حق ورودی، حق عضویت و سایر درآمدهای سال ۱۴۰۳ به استناد مواد ۹ و ۳۷ کتاب قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان

- بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۳



تجدید آگهی مزایده عمومی



شهرداری گورگان با استناد به ماده ۳۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری‌ها در نظر دارد نسبت به واگذاری جایگاه‌های سامانه هوشمند پارکومتر (به روش ثبت پلاک خودرو) در سطح شهر بصورت اجاره برای مدت دو سال بر مبنای پایه قیمت کارشناسی از طریق مزایده عمومی به شرکت‌های فعال و مرتبط با زمینه کاری مربوطه واگذار نماید، لذا شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ به سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

| ردیف | شرح | مشخصات مورد مزایده | اجاره برای سال اول (ریال) | اجاره برای سال دوم (ریال) | جمع کل دو سال | مدت اجاره | مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال) |
|------|-------------------------------|--|---------------------------|---------------------------|----------------|-----------|----------------------------------|
| ۱ | جایگاه سامانه هوشمند پارکومتر | جایگاه‌های پارکومتر موجود در خیابان‌های مندرج در متن آگهی جمعاً به تعداد ۱۴۳۰ جایگاه که هر جایگاه در ایفاء ۲٪ می‌باشد. | ۶.۷۲۰.۰۰۰.۰۰۰ | ۸.۰۶۴.۰۰۰.۰۰۰ | ۱۴.۷۸۴.۰۰۰.۰۰۰ | ۲ سال | ۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰ |

تلفن تماس امور قراردادها: ۰۷۵۲۴۰۷۲۲۲۴
تلفن تماس اداره ترافیک: ۰۱۷۳۳۲۶۸۰۱۱
سیدمحمدرضا سیدانگی - شهردار گورگان
شناسه آگهی ۱۶۵۷۳۷۵



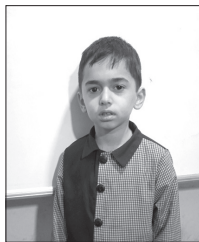
۰۱۷۳۳۲۲۴۴۳۰۲
۰۱۷۳۳۲۲۴۱۱۹۵



نام آن درخت چیست؟ نارنج و آن یکی؟ پرتقال، دیگری؟ نام آن درخت دیگر چیست؟ ما در شمال ایران زندگی می‌کنیم و پیرامون ما دریا و رودخانه و جنگل است. جنگل سرسبز شمال با درختان با شکوه که تاریخی در دل خود پنهان دارند. درختان انجیلی که مانند افسانه‌های کهن در کنار هم می‌رقصند و شاخه‌هایشان از هم دور می‌شوند و دوباره نزدیک و دوباره دور؛ گویی یکدیگر را در آغوش گرفته‌اند. درختان بلوط پیر و تنومند که گویی گیاهان جوان را راهبری می‌کنند و بلوط‌های جوان که پیام آور حرکت و امید هستند. شما نام درختان را می‌دانید؟ آیا میان درختان، دوستی هم دارید؟ می‌توانید در پیاده روی خیابان یا در جنگل با درختی دست دوستی بدهید. با همراهی همکلاسی‌های خود به سرپرستان مدرسه پیشنهاد کنید تا دیداری با درختان داشته باشید و کلاس درس را در طبیعت برگزار کنید و فهرست نام درختان را بنویسید. شما چند درخت را به نام می‌شناسید؟

یادداشت دبیر صفحه

آب خوردن است. تمساح به طرف او حمله کرد و همین که می‌خواست او را بخورد فیل جا خالی داد و تمساح روی زمین افتاد و فیل او را له کرد و رودخانه برای او شد. یک روز شکارچی بدجنس جنگل را آتش زد. یکی از حیوانات رفت که آب بگیرد و آتش را خاموش کند. اما فیل نگذاشت. همه حیوانات جنگل را ترک کردند فیل آبی تنهایی در آتش سوخت. مدتی بعد حیوانات به جنگل برگشتند و دوباره جنگل را مثل روز اول درختکاری کردند و با شادی کنار هم زندگی کردند.



سید مهدی میر شمس

یک روز آب تصمیم گرفت گردش کند و کل دنیا را بگردد. رفت و رفت تا رسید به جایی که آنجا را سیل گرفته بود. دید که دوستانش هم تصمیم دارند کل دنیا را بگردند. با آن‌ها به راه افتاد رفتند و رفتند، از زیر پل‌ها گذشتند، از شهرها و روستاها و از رودخانه‌ها تا رسیدند به دریای خروشان؛ خانه اصلی خودشان و با خوشحالی به دریا رفتند و با ماهی‌ها دوست شدند.



نرگس کوهکن

آری من در فکر توام
و تو از من دوری
چه کنم که فراغ سخت است و سخت
بیش از این دلم طاقت نمی‌آرد
دلم خون است و طاقت انتظار ندارد
من از تو وصل خواهم و تو دوری
ای معشوقه ام سرگذشتم چه میشود
انتظار تا کی؟!
جواب قلب شکسته ام چه میشود؟!
اشک‌هایی که از گونه‌هایم جاری است چه
جهان بر دلم گریبان است
ای یار از فراغت شعر سرودم، نیامدی!
نیامدی و نفسم به شماره افتاد
هوای طوفانی ام با دیدنت آفتابی میشود
چه کنم که قدم در این راه نمی‌گذاری

این هوا: تمرینی در ترانه



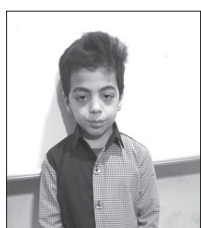
مانده احمدی لیوانی

چطوری بدون من نفس میکشی
چرا انقدر وجود تو پس میکشی
بدون تو چشمم به خواب آروم نمیره
چطوری انقدر راحت هوای بی منو نفس میکشی
راه میرم توی خیابون درسته بدون توام
ولی میدونم تو هم این هوارو داری نفس میکشی
بغل میکنم هرچی از طرف تو داشته باشمو
عطرت پریده از پیرهنت تا منو تو ذهنت کمرنگ
میکشی
من به سمت پرواز میکنم تو با قایق، روی موج‌ها پر
تلاطم
هی به سمت اقیانوس پاهاتو پس میکشی
ماهی همه جا به فکر توئه با چشاش دنبالت
هرچقدرم که تو دور قرمزیه منو خط میکشی



محمد زمان گیلک

در یکی از روزهای گرم تابستان مادر خرگوش مهربون به او گفت که به مغازه برود تا برایش وسیله بخرد. هوا اونقدر گرم بود که خرگوش مهربون شرشر عرق می‌ریخت وقتی به مغازه رسید برای خودش یک نوشیدنی خنک خرید. می‌خواست بخورد که یادش آمد مادرش منتظر او است، خیلی زود وسایل مورد نیاز را خرید و به خانه برگشت.



محمد رضا سنگدینی

یکی بود یکی نبود. یک روز تمساحی به دنبال غذا می‌گشت. یک فیل آبی دید که کنار رودخانه در حال

اگر ماشین زمان داشتم



سارینامیری

من اگر ماشین زمان داشتم دوست نداشتم به آینده سفر کنم. به نظر من اگر آینده مخفی بمونه، با اتفاقاتی که قراره بیفته، ما می‌تونیم لذت زندگی را درک کنیم. مثلاً چند روز بعد، چند هفته بعد، چند ماه بعد، یا چند سال بعد ما بدونیم در چه نقطه‌ای هستیم آن شوقی که برای رسیدن به کارهامون را داریم از دست می‌دهیم. برای آینده هیچ تلاشی نمی‌کنیم. من دوست دارم از چنین ماشینینی برای گذشته استفاده کنم چون می‌تونیم جلوی اتفاقات بد را بگیریم. اگر ماشین زمان داشتم و اگر در دسترس من بود حتماً به گذشته سفر میکردم و کلی از اتفاق‌هایی که خوب نبودند را تغییر میدادم. اینجوری احساس می‌کردم که زندگی برای من و زمانش راحت تر میرفت. گاهی اوقات انسان اشتباهاتی می‌کند و برای این اشتباهات خود را سرزنش می‌کند و می‌گوید ای کاش زمان به عقب بر می‌گشت و این کار را نمی‌کردم. اما وقتی ماشین زمان وجود داشت ما می‌تونستیم زمان را به عقب برگردانیم و جلوی آن کار اشتباه را بگیریم. بزرگ‌ترین خاصیت ماشین زمان هم فکر میکنم همین گذشته باشد. چون آینده را که گفتم باید مخفی بماند تا شیرینی زندگی را درک کنیم. با وجود ماشین زمان می‌توان جلوی بیماری‌ها را گرفت. جلوی خیلی از جنگ‌ها را گرفت. جلوی اتفاقاتی که برای انسان می‌افتد و به آن صدمه می‌رساند را گرفت و چه چیزی از این بهتر؟ اگر با همین ماشین زمان به آینده سفر کنی به جز شوکه شدن چیز دیگری ندارد، چطوری به این موقعیت می‌رسیم و دانستن از دست دادن آدم‌های اطرافمان. اما می‌تونیم از یک دید دیگری نگاه کنیم، به آینده سفر کنیم که اصلاً این اشتباهات به وجود نیاید. کاش ماشین زمان وجود داشت، ولی من فکر میکنم الان وجود دارد، حالا سفر به گذشته یا آینده مهم نیست یک سوال برام پیش آمد نکند وجود چنین ماشینینی به ضرر انسان باشد!



شعر درباره غزه

سارا رضایی

منم غزه شجاع و با شهامت
منم غزه صبور و با صلابت
منم غزه اصیل و با نجابت
منم غزه نجیب اهل شهادت
منم غزه مقاوم پایدارم
منم غزه صبور و بیقرارم
منم غزه هراس از دشمن ظالم ندارم

شاهنامه بخوانیم



آزاده حسینی

آیا فردوسی نام یک شخص است؟ نام یک کتاب؟ نام یک فرهنگ؟ یا نشانه‌ای از گنج؟ شما وقتی نام فردوسی را می‌شنوید یا جایی می‌خوانید چه به ذهنتان می‌رسد؟
همی داشتندش چنان ارجمند
که از تندبادی ندیادی گزند
یعنی او (داراب) را با ناز می‌پروراندند. چنان ارجمند نگه می‌داشتند که کمترین آسیبی هم به او نمی‌رسید.
*چو بگذشت چرخ از برش چند سال
یکی کودکی گشت با فر و یال
وقتی چند سال گذشت کودکی تومند و پرشکوه شد.
*به کشتی شدی با بزرگان به کوی
کسی را نبودن تن و زور او
شدن در اینجا به معنی رفتن است. با بزرگان کشتی می‌گرفت و کسی را قدرت برابری با او نبود.
*همه کودکان همگروه آمدند
به یکبارگی زو ستوه آمدند
ناگهان از قدرت او به ستوه آمدند یعنی خسته و عاصی شدند، و در هم شکستند.
*به فریاد شد گازر از کار او
همی تیره شد تیزبازار او
گازر یعنی رختشوی از رفتار و ماجراهای او عاصی شد. رونق کار و بارش تمام و خراب شد.
*بدو گفت کاین جامه برزن به سنگ
که از پیشه جستن تو را نیست ننگ
جامه بر سنگ زدن کنایه از رخت شویی. به او گفت که این رخت‌ها را بشوی! پیشه: کار. جستن: جستجو کردن. از کار پیدا کردن و کار کردن، عار نداشته باش!
*چو داراب زان پیشه بگریختی
همی گازر از دیده خون ریختی
خون از دیده ریختن: کنایه از خسته و کلافه شدن.
پس از گریختن داراب، گازر یعنی رخت شوی ناراحت و کلافه بود و بسیار می‌گریست.
*شده روزگارش به جستن دو بهر
نشان خواستی زو به دشت و به شهر
روزش به دو قسمت شده بود. نیمی کار و نیمی گشتن دنبال داراب

جریان رودخانه



سیده زهرا علوی نژاد

زندگی مانند جریان یک رودخانه است. گاهی آرام می‌گذرد و گاهی تند، گاهی در مسیر به تکه سنگ‌های بزرگ و کوچکی گیر می‌کند، اما ادامه می‌دهد. زندگی ما هم همینطور است. با مشکلات کوچک و بزرگ رو به رو می‌شویم. گاهی فکر می‌کنیم زندگی کاملاً تمام شده است، اما باز هم ادامه می‌یابد. همانگونه که مشکلات قبلی گذشتند این مشکلات هم می‌گذرند. فقط بعضی مشکلات کوچک هستند و بعضی ها بزرگ، مثل همان تکه سنگ‌هایی که در مسیر رودخانه قرار دارند.



فاطمه دل دار

باران صورتش را می‌شست و باد بوسه بر چشمانش میزد. سراسیمه با تندگی گام برمی‌داشت که زودتر برسد که مبادا دیدار با معشوق لحظه‌ای دیر شود. برگ‌ها زیر پاهایش جولان می‌دهند تا او را با صدای آهنگینشان همراهی کنند و زمین به پاهایش سرعت می‌بخشد. به آنجا که رسید، سرش را به سوی کسی که دل‌باخته‌اش شده بود بلند کرد و شکر گزارش بود که سر وقت قرارشان دیدار می‌کنند. زمان در عبادتگاه وی متوقف شده بود تا کمی بیشتر در سجده سر بر دامان معشوق بگذارد و چه آرامش بخش است سر تعظیم فرود آوردن برای آسمان. زلیخا چو معشوق واقعیش بدید / ز یوسف زمینی دل بُرد

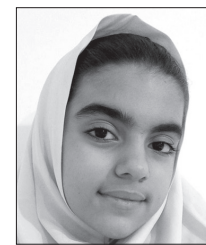
سرسره



ضحارستمی

باد ملایمی می‌وزید و برگ‌ها از روی درخت‌ها روی سرسره پرت می‌شدند و سرسره خاکی شده بود. هر کودکی می‌آمد از شدت کثیفی سرسره با آن بازی نمی‌کرد، سرسره از این بابت خیلی ناراحت بود و چنین به خود می‌گفت: «دیگر کسی با من بازی نمی‌کند، ولی سرسره پیچ پیچی دید که چنین است به او گفت: «نگران نباش کسی پیدا می‌شود تو را تمیز کند و همه دوباره با تو به روال قبلی بازی کنند و این گونه خود را ناراحت نکن! من هم وقتی کثیف می‌شدم مثل تو ناراحت بودم ولی هر هفته یک نفر می‌آید و همه‌ی ما را تمیز کند». ساعتی بعد مردی آمد و شروع کرد به تمیز کردن سرسره. صبح روز بعد کودکان با خوشحالی با سرسره بازی می‌کردند و هم سرسره و هم کودکان خوشحال بودند.

زامبی‌ها



صحرا حیمی نژاد

یک روز من توی اتاقم در حال نوشتن مشق‌هایم بودم. همه جا ساکت و آرام بود و پدرم داشت تلویزیون میدید که اخبار گفت یک ویروس جدید آمده و همگی مواظب خودتان باشید. ناگهان از بیرون صداهای عجیبی آمد، گفتم شاید عروسی یا جشن هست. ولی کم‌کم صداها داشت خیلی عجیب و غریب می‌شد. تصمیم گرفتم که نگاهی به بیرون بیندازم! وقتی که بیرون رفتم با صحنه‌ای که دیدم خیلی شوک شدم. گفتم: «بابا بیا ببین چی شده!» پدرم گفت: «زود برو داخل و در و پنجره‌ها را قفل کن!» مادرم گفت: «چه چیزی اون بیرون هست؟! پدرم گفت: «گفتم که سریع بروید در و پنجره‌ها رو ببندید تا بهتون بگم». وقتی که تمام در و پنجره‌ها را بستیم، پدرم گفت که زامبی‌ها حمله کردند. ما از لای یکی از پنجره‌ها دیدیم که زامبی‌ها از سر و دهانشان خون می‌آمد و به دیگران حمله می‌کردند. آدم‌هایی که می‌دیدند را گاز می‌گرفتند و آنها هم زامبی می‌شدند. با دیدن این صحنه از تعجب و ترس، خشکم زده بود! بعد شنیدیم که یک نفر داشت در خانه مان را محکم می‌زد! من و پدرم از پنجره دیدیم که همسایه مان با سر و دهان خونی و دست‌هایی که کج شده پشت در خانه‌ی ما هست. پدرم گفت: باید مواظب باشیم، بیاید مبل‌ها را پشت در بگذاریم و خودمان در اتاق پناه بگیریم. تا ما مبل‌ها را گذاشتیم تعداد زامبی‌ها خیلی زیاد شد و در داشت می‌شکست. پدرم گفت: «سریع بروید توی اتاق!» و ما هم رفتیم. تا در اتاقم را قفل کردم، زامبی‌ها در خانه‌ی ما را شکستند و آمدند داخل، تا آنها از روی مبل‌ها رد بشوند ما می‌تلاش و فرار می‌کردیم. پدرم و مادرم میز من را گذاشتند پشت در. اما آنها در را شکستند و همسایه‌ی ما که زامبی شده بود آمد داخل اتاقم، پدرم با چوبی که در اتاق من بود به او ضربه زد و ماهر کداهمان یک وسیله برداشتیم برای دفاع از خودمان اما تعداد آنها خیلی بود. ما هم زامبی شدیم.

امواج عذاب آور



پرستو علاءالدین

روی ماسه‌ها قدم برمی‌داشتم، نه آرام، جوری که انگار تمام عصبانیتم را با قدم‌های محکم روی ماسه‌ها خالی می‌کردم. در من صندوقی به وجود آمده بود پراز سوال! اما بیشتر از آنها این سوال تکرار میشد: «از چی عصبی‌ام؟ چرا فقط وقتی نزدیک دریا میشم این حالت بهم دست می‌ده؟» و تنها یک جواب برای این سوال داشتم، خواهرم! این دریایی که صدای امواجش برای همه مانند موزیک کلاسیکی آرامبخش بود، برای من سوهان روح بود! مثل قاتل زنجیره‌ای، مثل موجود ترسناک بچه‌گی! بر خورد آب دریا به پایم، شروعی شد برای تداعی خاطرات آن روز. آسو خواهرم، مانند یک بچه پنج ساله که برای اولین بار دریا را میبیند، ذوق داشت، با اینکه فقط یک سال با هم اختلاف سنی داشتیم، اما او برخلاف من، پر از انرژی بود. آسو که مرا ساکت دید، به طرفم آمد و مرا کشان کشان به نزدیک دریا برد. روی ماسه قلب بزرگی کشید و داخلش ایستاد. خنده‌ی زیبایی زد و رو به من گفت: «زود باش پری! تو هم بیا تو این قلب بزرگ!» داخل قلب رفتم و مثل آسو، دراز کشیدم و دستش را گرفتم. با همان صدای پراز شوقش دارم آجی! «پری، می‌دونی، این قلب منه، تو هم تو قلبمی، خیلی دوست دارم آجی!» نگاهش کردم و لبخند مهربانی به رویش پاشیدم. ناگهان موج بزرگی از دریا آمد که باعث شد تمام لباس‌هایمان خیس شود. آسو سریع از جایش بلند شد و دوید به سمت دریا و بلند با خنده داد زد: «جناب دریا، شما بزرگی درست، ولی دلیل نمیشه که...» حواسش نبود و همانطور جلو می‌رفت، داد زدم بایستد، اما نه، نمی‌شنید. آنقدر جلو رفته بود تا آب روی شکمش رسیده بود. دویدم سمتش تا او را بیرون بیاورم، اما دیر شده بود، دریا آسوی مرا با خود برده بود. هرچه رفتم و شنا کردم، نبود که نبود. از آن روز، دریا برایم زیبایی نداشت! دیگر آرامبخش نبود و عذاب بود. با چشمان اشکی، روی خاک قلب بزرگی کشیدم، گلی را که خریدم بودم یک طرف گذاشتم و طرف دیگر خودم دراز کشیدم. دراز کشیدم همانا و جاری شدن بی‌مهابای اشک‌هایم همانا! با لکنت شروع کردم به حرف زدن: «آسو! آسوی من! هستی؟! دیدی مثل همیشه تو قلب دراز کشیدما، مثل همیشه تو قلبیتما، راستی یادم رفت، تو هم تو قلبمی. آسو، میشنوی خواهری؟! آنقدر گریه کرده بودم که دیگر نایی برابم نمانده بود، انگار عقلم را از دست داده بودم، توهم می‌زد، صدایی شنیدم، شبیه صدای آسو بود. می‌گفت: «من جام خوبه خواهری، دوست دارم، نگران من نباش!»

متعهد به شخصیت خود باشیم



سیده فاطیما عقیلی

در خیابان‌ها که قدم می‌گذاری جوانانی را میبینی که در دام اعتیاد افتاده‌اند. جوانانی که حال باید در دانشگاه‌ها تحصیل کنند، جوانانی که حال باید زندگی سالم داشته باشند، جوانانی که حال باید پشت میز محل کار خود نشسته باشند. ولی حیف که گرگ اعتیاد آنها را طعمه‌ی خود قرار داده. جوانان بی‌گناهی که قدرت «نه» گفتن را نداشتند و همین باعث نابودی زندگی‌شان شد. تاسف آور است که حتی گاهی تحصیل کرده‌ها نیز در دام اعتیاد می‌افتند و گویا به درس خوانده بودن ربطی ندارد. حتی شاید تحصیل کرده‌ها بعضی از شکل‌های اعتیاد را نوعی مدرن بودن و روشن فکری می‌دانند. شاید تصور می‌کنند که اگر در جمع دوستان همه یک کاری را انجام می‌دهند؛ پس ما هم باید انجام دهیم تا از قافله عقب نمانیم. تصور می‌کنند اگر «نه» بگویند؛ از دید دوستانشان شاید آدم غیر مستقل یا وابسته با خانواده به نظر برسند. در حالی که ما باید متعهد به شخصیت خود باشیم و به هر قیمتی خود را درگیر اعتیاد نکنیم. اگر هم جوانی نمانده به این دام دچار شد؛ هنوز هم فرصت «نه» گفتن هست و می‌توان به جای عادت بد و ناشایست به مواد؛ عادت‌های خوب و شایسته را جایگزین آن کرد. انسان‌هایی که معتادند خوب می‌دانند که اعتیاد تاوان بدی در پیش دارد؛ پس چرا به معتاد بودن ادامه می‌دهند؟ پاسخ این است که آنان یاد نگرفته‌اند که زندگی سالم آنقدر بد نیست، چرا در ذهن آنان چنین می‌گذرد؟ نکته اینجا است که همیشه «نه» گفتن دلیل بر ترسو بودن نیست!



نیازهای کاذب چطور

ما را سمت مصرف گرایی می برند؟



کمبود فضای آموزشی
گران بر طرف می شود



فرماندار گرگان گفت: دولت سیزدهم برای جبران بخشی از عقب ماندگی فضای آموزشی این شهرستان ۴۳۰ میلیارد ریال در نظر گرفته که به زودی جذب و صرف ساخت فضای آموزشی خواهد شد. به گزارش روابط عمومی، اسماعیل نادری به پیگیری برای جبران کمبود فضای ورزشی گرگان نیز اشاره کرد و اظهار کرد: این شهرستان ۴۳ طرح روباز و سروپوشیده ورزشی در دست اجرا دارد که بهره برداری از آن بخشی از مشکل پایین بودن سرانه پایین ورزشی این شهر را جبران خواهد کرد. وی همچنین از تدارک بهره برداری طرح های اقتصادی در این شهرستان همزمان با دهه فجر خبر داد و گفت: ارزش ریالی این طرح ها در مجموع هزار و ۹۶۰ میلیارد ریال است. وی استقبال نمادین از ورود بنیانگذار کبیر انقلاب در فرودگاه گرگان، برپایی نمایشگاه گل های فجر، برگزاری سرود زنده، پیاده روی سلامت، غبارروبی گلزار شهدا و دیدار با خانواده معظم شهدا را از جمله برنامه های این شهرستان در دهه فجر امسال برشمرد. فرماندار گرگان با تاکید بر افزایش هم افزایی مسوولان دستگاهها و نهادها در ارائه خدمات بهتر به مردم گفت: گسترش این رویکرد یکی از دستاوردهای انقلاب و مورد تاکید دولت سیزدهم است. وی با اشاره به برگزاری میز خدمت با مشارکت مدیران کل و مدیران شهرستانی دستگاه های مختلف در مرکز استان اظهار کرد: تاکنون در شهر قرق از توابع بخش بهاران این میز خدمت دایر شده و به زودی نیز شاهد برپایی آن در شهر سرخندکلاته خواهیم بود.

انتخاب فروشگاه مناسب

از جمله کارهایی که می تواند کمک کننده باشد، انتخاب فروشگاه مناسب است. مثلاً بسیاری مواقع برای خرید مواد خوراکی سوپرمارکت یا لبنیاتی محله پاسخگوست و کمتر احتمال می رود درگیر امیال اضافی شویم. برای خرید پوشاک هم پیدا کردن یک فروشگاه مطمئن که به سلیقه و انصاف فروشنده اعتماد داریم، معمولاً خرید رضایت بخش تری ایجاد می کند تا چرخیدن و سردرگمی در پاساژهای بزرگ که انواع و اقسام فروشگاهها را دارند. دل کندن از پاساژگردی و اینستاگردی برای خرید یک محصول وقتی محقق می شود که ما در سبک زندگی خود تغییر ایجاد کنیم. اینکه جنس تفریح خود را از ویرترین گردی به تفریحات دیگر تغییر دهیم.

تربیت دغدغه های بزرگ تر

اگر حساب کنیم با خریدهای پی در پی و مصرف گرایی های بیشتر و بیشتر چه باری بر زمین اضافه می کنیم و چه حجمی از زباله تولید می کنیم که زندگی را در آینده برای ما و فرزندانمان سخت تر خواهد کرد، احتمالاً در خریدهای خود دقت عمل بیشتری به خرج خواهیم داد. این یک مسیر تربیتی است و یک شبه حاصل نمی شود. کافی است از یکی از خریدهایمان شروع کنیم. مثلاً برای خود چالش بگذاریم که تا چهل روز چیزهایی بخریم که کاغذ زورق نداشته باشد؛ چون قابل بازیافت نیست و زباله برای زمین تولید می کند. بعد از این چهل روز می توانیم همین تعهد را ادامه دهیم یا یک موضوع دیگر را اضافه کنیم؛ مثل نخردن میوه ای که در فصل خود نیست! شبیه هندوانه یا توت فرنگی در زمستان.

پرسش در لحظه

ممکن است به هر دلیلی انتخاب ما همان فروشگاه های زنجیره ای یا خرید از پاساژها باشد. در این شرایط، هنگام وسوسه شدن برای خرید، می توانیم از خودمان سؤال کنیم: اگر این محصول را نخرم، چه اتفاقی می افتد؟ آیا نخردن این محصول ضربه ای به پیشرفت من می زند؟ آیا واقعا به آن احتیاج دارم؟ آیا از آن شب بایرم واجب تر است؟ آیا قدرت این را دارم که با وجود دوست داشتن این محصول، از آن بگذرم؟ حتی اگر برای چند روز است. سؤالاتی از این دست کمک می کند تا بهتر و شفاف تر تصمیم بگیریم. گرچه قدرت پس زدن این وسوسه ها بستگی به ظرفیت خودکنترلی ما دارد و این ظرفیت از یک جایی به بعد تمام می شود.



می زند که اسیر شدن در زندان مصرف گرایی است. چیزی که باعث می شود نتوانیم نیازهای اصیل خود را شناسایی کنیم.

ابزارهای تکنولوژی و مصرف گرایی

مفاهیم نسبتاً جدیدی مانند گیمیفیکیشن (بازی وارسازی) یا طراحی رفتار نمونه هایی از ابزارهای دوگانه ای هستند که هم می توانند به فرد کمک کنند تا به آگاهی بیشتر دست پیدا کند و هم می توانند او را از خود غافل کنند. نمونه مثبت گیمیفیکیشن، برنامه آموزش دولینگو برای فراگیری زبان های خارجی است که با جذابیت های بازی وار و یادآورهای مختلف به مخاطب خود کمک می کند تا فرایند آموزش برایش تسهیل شود. از طرفی، نمونه غافل کننده بازی وارسازی، برنامه اینستاگرام است که با تمرکز روی عکس و فیلم و لایک، طمع دیدن و دیده شدن را در مخاطب افزایش می دهد و حسرت نداشته ها و میل به داشتن چیزهای مختلف را با محوریت بلاگرها در افراد گسترش می دهد. طراحی رفتار هم از این قاعده مستثنی نیست. در این فرایند آگاهی از فرد گرفته می شود تا یک مرجع قدرت برایش رفتاری تازه رقم بزند. این که در نهایت چه اتفاقی خواهد افتاد، به نیت مرجع برمی گردد که آیا انسان گرایانه طراحی می کند یا بر اساس منفعت های شخصی.

چه باید کرد؟

قرار گرفتن در معرض انواع انتخاب ها و از دست دادن یا دزدیده شدن آگاهی افراد، باعث شده تا شناخت نیازهای اصیل سخت شود. می شود گفت: ابزار دنیای تکنولوژی به نوعی کلاه برداران مدرن زندگی ها هستند. برای رهایی از این اتفاق، باید آگاهی و ذهن آگاهی را تقویت کرد.

دهه شصتی ها مصرفی نبودن را به یاد دارند. به گزارش ایرنا ندگی، وقتی سر زانوی شلوارهای بیجگی شان ساییده می شد، مادرها به تکه دوزی پارچه های بیجگی شان دایره ای روی می آوردند تا آن شلوار را دور نیندازند و آن هم بی وفا می نمی کرد و دوباره ماهها برای بچه ها کار می کرد. چیزی که برای بچه های امروز تعریف نشده و برای والدینشان زشت و بی کلاسی یا نشانه ای از ناداری به شمار می رود.

مصرف گرایی در فروشگاه زنجیره ای

وقتی می خواهید وارد یک فروشگاه زنجیره ای شوید، چقدر از قبل می دانید چه چیزهایی نیاز دارید و برای خرید چه محصولی به فروشگاه می روید؟ و اگر لیست خرید دارید، آیا در هنگام خروج به همان لیست وفادار مانده اید؟ ترکیبی از سبد چرخ دار بزرگ، بازارپردازی محصولات و نحوه چیدمان آن ها از در ورودی تا خروجی و تنظیم جایگاه قفسه ها، میل های جدیدی برای مشتری ایجاد می کند که باعث می شود آن ها را با نیاز اساسی خود اشتباه بگیرد. به عبارتی نیاز کاذب برایش رقم می خورد و نتیجه می شود: مصرف گرایی بیشتر. به همین خاطر کمتر پیش می آید کسی وارد فروشگاه زنجیره ای شود و با همان لیست خریدی که در دست یا در ذهن داشته است، از آنجا خارج شود.

انتخاب های متنوع - مصرف گرایی

وقتی بخواهیم میان دو یا سه چیز یکی از آن ها را انتخاب کنیم، انتخاب آسان تر است تا وقتی تعداد انتخاب ها به ده، دوازده می رسد. دنیای جدید، سبک فروشگاهها، نحوه بازاریابی و فضای مجازی ما را در برابر انتخاب های متنوع قرار می دهد و آرام آرام سبک زندگی جدیدی را برپایمان رقم

مربوط به سه بخش تجهیز مراکز آموزش فنی و حرفه ای، تکمیل پروژه های مرکز آموزش تخصصی کشاورزی نی تپه رامیان و مرکز فنی و حرفه ای خواهران گنبدکاووس بود. وی افزود: با تخصیص ۲۰۰ میلیارد ریال از اعتبارات دور اول سفر، ساخت مرکز تربیت مربی تخصصی کشاورزی و دامداری نی تپه رامیان به پیشرفت ۷۲ درصدی رسیده است. مدیرکل فنی و حرفه ای گلستان ادامه داد: همچنین ۵۰ میلیارد ریال از مصوبات دور اول به تجهیز مراکز آموزش فنی و حرفه ای شهرهای استان و ۱۲۵ میلیارد ریال برای مرکز تربیت مربی تخصصی کشاورزی و دامداری نی تپه هزینه شد. کرایلو اضافه کرد: تکمیل مرکز تربیت مربی تخصصی کشاورزی و دامداری نی تپه همراه با تجهیز کارگاهها به ۵۷۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد. وی افزود: همچنین ۹۰ میلیارد ریال مصوب دور نخست سفر برای تکمیل پروژه مرکز آموزش فنی و حرفه ای خواهران گنبدکاووس هم به طور کامل تخصیص پیدا کرد و در دور دوم سفرهای استانی هیات دولت این مرکز افتتاح شد. مدیرکل آموزش فنی و حرفه ای گلستان از تخصیص ۲۰ میلیارد ریال اعتبار مصوب دور دوم سفر استانی دولت برای تجهیز مرکز فنی و حرفه ای خواهران گنبدکاووس خبر داد و گفت: پیگیری برای تصویب ۲۰۰ میلیارد ریال متمم دیگر برای

تجهیز مراکز فنی و حرفه ای استان ادامه دارد. مهارت آموزی از جمله راهکارهای توصیه شده به اقشار جامعه به ویژه بانوان و دانش آموختگان دانشگاهی برای ورود به بازار کسب و کار محسوب می شود و خیلی از خانواده ها در کنار آموزش های ارائه شده در مدارس و یا دانشگاهها، فرزندان خود را به فراگیری مهارت های فنی و حرفه ای تشویق می کنند. در گذشته تاکید خانواده ها به فرزندان بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، پیگیری آزمون های استخدامی برای دستیابی به شغل های اداری و پشت میز نشینی بود اما با مشاهده جوانان زیادی که با داشتن مهارت های حرفه ای به راحتی در بازار کار مشغول هستند نگاه خود را به سمت مهارت آموزی تغییر دادند. به اعتقاد کارشناسان، سرمایه گذاری برای تربیت نیروی انسانی ماهر و توانمند، حلقه گمشده اشتغال کشور است که اجرای کامل طرح مهارت آموزی با شناخت دقیق از نیاز بازار می تواند جمعیت جوان و مولد را به سمت ایجاد مشاغل پایدار و مورد نیاز جامعه سوق دهد. با توجه به برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی گلستان، سرمایه گذاری در حوزه مهارت آموزی به منظور استفاده از توان دانش آموختگان دانشگاهی در این استان یک ضرورت محسوب می شود و نداشتن مهارت، بکارگیری این قشر در بازار را با مشکل مواجه می کند.

۲۶۵ میلیارد ریال اعتبار به فنی و حرفه ای تخصیص یافت

مدیرکل فنی و حرفه ای گلستان گفت: از مجموع ۴۹۰ میلیارد ریال مصوبات دور نخست سفر رییس جمهور به بخش های گوناگون فنی و حرفه ای استان تاکنون ۲۶۵ میلیارد ریال تخصیص یافته است. به گزارش روابط عمومی، حمزه کرایلو اظهار کرد: مصوبات دور نخست سفر استانی دولت

دیگر ایاق بود، عبدالرحیم جعفری، بنگاه امیرکبیر و محمد زهرایی، نشر کارنامه، این دو بزرگ مرد جهان کتاب ایران با ابوالحسن پیوندی پدرا نه داشتند، بخاطر می آورم در مراسم ختم پدرم در مسجد بلال در سال ۱۳۸۶، در یک روز سرد زمستانی، پیرمرد بسیار آراسته ای را نشسته بر روی راه پله مسجد دیدم، بسرعت بسویش رفتم خودم را معرفی نمودم فرمودند شما را می شناسم ولی بنده عبدالرحیم جعفری هستم، با شنیدن نام پر آوازه آن شخصیت ممتاز او را در آغوش گرفتم و استدعا نمودم به داخل مسجد تشریف فرما شوند ولی آن بزرگ انسان فرمودند بنده به ابوالحسن جان گفتم امروز مرا بعنوان یکی از صاحبان عزا اجازه دهد در ورودی مسجد بایستم ولی درد پا اجازه ایستادن در کنار شما را نمی دهد به سرعت بسوی ابوالحسن رفتم و گفتم آقا را باید از این هوای سرد بداخل دعوت نمایم ولی ابوالحسن گفت آقا نخواهند پذیرفت چون به پدر احساس دین می کند و میخواهد در اینجا تا پایان مراسم باشند، اتفاقی عجیب و رفتار پدرا نه آن پیر و پیشکسوت نشر و کتاب ایران نسبت به ما تا همیشه مرا شرمده آن روح بلند نمود. آری، ابوالحسن او را چون پدر دوست میداشت و تا آخرین روز زندگی آن دلسوخته کتاب از حق و حقوق او در انتشارات امیرکبیر سخن می گفت و بنامش قلم می زد، ارتباط و پیوندی باور نکردنی، و اما دوستی و ارادت و پیوند ابوالحسن با بزرگی دیگر از جهان نشر محمد زهرایی وصف نشدنی است، مرحوم زهرایی همیشه می گفت من به ابوالحسن خیلی امید و ایمان دارم به روزی چشم دارم که آثار او را یک به یک به سلیقه خود به چاپ برسانم و در ویرتین همین شهر کتاب نیاوران به زیبایی بچینم، بیاد دارم غروب به اتفاق ابوالحسن در دهه هشتاد به منزل استاد محمد زهرایی رفتیم، آن مرد صاحب اندیشه و سلیقه در کتاب و نشر به من گفت این برادرت آنچنان با کتاب آمیخته است که من پیش او کم می آورم، طوریکه کمتر کتاب چاپ شده ای است که او نداند تبارش چیست، به باور زهرایی ابوالحسن با کتاب هفته و یادداشت هایش بر کتاب نقش بسیار بزرگ و انکار ناپذیری در تقویت عرصه عمومی کتاب در ایران داشت. در پایان باید گفت، ابوالحسن اگرچه همزمان در چند مسیر حرکت می کرد ولی در حوزه روزنامه نگاری کتاب با کار یک دهه ای در کتاب هفته به درجه ای از تسلط بر جریان کتاب و اندیشه کتاب در ایران رسیده بود که به تعبیر یکی از بزرگان بی جانشین ماند، آری او در کنار بزرگان صاحب اندیشه و همشینی و همدمی با نسلی از غول های کتاب به درجه بی بدیلی از جان کتاب دست یافت همان راه و مسیری را که در عرصه روزنامه نگاری و همچنین بعد تخصصی آن در حوزه نقد موسیقی ایران طی کرد و با کولباری از تجربه عرصه عمومی، راهها و مسیرهای نوی را کشف و شهود کرد و با آن تجربه زیسته به جامعیتی رسید که یک تنه نتواند کار یک تیم را انجام دهد نقشی که عاقبت می خواست در تالیف دایره المعارف موسیقی ایران دنبال نماید چرا که او با زیست یک دهه ای در غرب توانسته بود به تجربه جهانی و زندگی و هم نوایی با متفکران بزرگ در آن دیار دست یازد، تجربه و شناختی برای کشف و شهودی نوتر و متفاوت، ولی دریغ و صد افسوس که دست تقدیر نقشی دیگر بر سر نوشتش زد و عاقبتی بر او رقم خورد تا از این جهان خاکی ره به سوی افلاک کشد. روحش شاد، یاد و نامش تا همیشه زنده و جاودان باد.

۲ بهمن ۱۴۰۲ / روز آسمانی شدن ابوالحسن

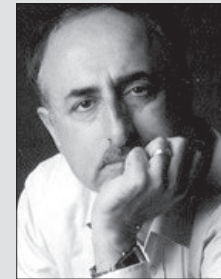
برای شعر سنگ قبر پدرمان، به جای اشعاری مرسوم) که در جایش قابل احترام است و اما به ذهن من تکراری می رسد) همان دغدغهها را انعکاس دهیم و لذا من نیز این اشعار را انتخاب و در رایزنی با او و برادر بزرگترمان در نهایت روی سنگ قبرش نوشتیم که این سروده از فردوسی بزرگ در زمره آخرین دستنوشته هایش بود و امضای معروفش (البته معروف در همان منطقه خودم) را پای این شعر زدیم. جهان را چنین است ساز و نهاد برآرد ز خاک و دهدشان به باد تو گر دادگر باشی و پاک رای به آیین بیایی به دیگر سرای نکته جالب تر این که وقتی عبدالحسین نخستین آلبومش به نام تمنای وصال را منتشر کرد، روزی نشسته در مسیری می رفتیم که عبدالحسین همین ریتم و وزن مثنوی پدرمان را زمزمه کرد و ناگهان گفت: الان به ذهنم رسید که چرا به جای آن مثنوی سوز و گداز در تمنای



وصال از این ریتم و وزن در مثنوی استفاده نکردم و همه گاه این افسوس با او بود، چرا که کمتر کسی این فرم آوازی را در آواز اصفهان خوانده بود و یا حداقل ما نشنیده بودیم. بعدها البته در چند کنسرت از این فرم استفاده کرد و من به دنبال اینم که نسخه ای صوتی از این اجرا را به دست آورم و یا نمونه ای را در یکی از پست های آینده قرار دهم. شاهنامه برای ابوالحسن تنها یک کتاب شعر حماسی نبود او با شاهنامه بزرگ شد، همواره می گفت همه فضا زندگی ما در خانه شاهنامه بود طوریکه این نقش عاقبت در یک محیطی سنتی بر سنگ قبر پدر پدیدار گشت، شیفتگی ابوالحسن به کتاب را امروز می توان در کتابخانه بزرگی که از خود به یادگار گذاشت دریافت، وقتی به آن کتابخانه مرجع سر می زنی هر کتابی را که او عاشقانه فهرست بندی کرده است باز می کنی پیداست خوانده شده و مهمتر آنکه حاشیه ای یا یادداشتی دارد و چنان موجودی حیات مدار در آن فضا کاشته شده است. عشق به کتاب ابوالحسن را به همه پدید آوردگان کتاب از بزرگترین و نامبردار ترین نویسندگان، مولفان و ویراستاران، صاحبان نشر از ایرج افشار تا ادیب سلطانی، از شیعی کدکنی تا محمود دولت آبادی، از محمد علی موحد تا علی دهباشی و... پیوند زد او با همه بزرگان و مولفان و دیده بانان کتاب در ایران با هر سن و سال رفیق و یار بود ولی در این میان با دو فرزانه مرد بی بدیل از بنیانگذاران و موسسان و صاحبان نشر به شکلی

آسای ابوالحسن می توان آنرا از مناظر گوناگونی مرور کرد و از آن چشم انداز نقشی را انتخاب و منظری را به نظاره نشست و به آن دل و اندیشه برد، یکی از بهترین مناظری که در چشم انداز ابوالحسنی دیدم، که او در این عمر کوتاهش بر آن نقش بیشتر تأمل نمود کتاب بود، جهانی که او از کودکی با آن مانوس بود و بر سر آن جان و عشق گذاشت، برای نزدیک تر شدن به این جهان بهتر آنست که از زبان خودش روایت این دلدادگی را بشنویم، او در چند گفتگو و یکی از آخرین مصاحبه های تصویری و مجازی با روزنامه نگار چیره دست آرش نصیری، از آغازین شیفتگی اش به کتاب می گوید: کتاب همیشه برایم مهم و اصل بود از همان دوران کودکی، کمتر کتابی از دستم در می رود، البته از طفولیت با کتاب قرآن مجید، مفاتیح، شاهنامه، غزلیات حافظ، ناسخ التواریخ حتی کتاب شعر میزاده عشقی که کتابهای پدر بر روی طاقچه خانه کاه گلی ما بود الفت پیدا کردم ولی بطور جدی، بخاطر می آورم در اوایل انقلاب که کلاس سوم ابتدایی بودم در روستای زادگاهم امرو بی کتابخانه بودیم من بیشتر در این دوران با روزنامه های پدرم کلنجار میرفتم، طوریکه پدر این کنجکاو را می ستود و روزنامه ها را در اختیارم میگذاشت ولی انگار روزنامه و یا آن کتابهای پدر دیگر مرا سیراب نمی کرد همواره همانند فردی تشنه لب دنبال هر کتابی می گشتم که در این میان شانس یاری ام کرد و اخوی بزرگم دکتر مصطفی همان اوایل انقلاب کتابخانه بزرگ خود را از تهران به روستا و خانه ما آورد و ما صاحب کتابخانه ای مفصل در منزل شدیم با انواع مختلف کتابها از رمان های کلاسیک و مدرن، نمایشنامه های ایرانی و جهانی، متون کلاسیک شعر و نثر ایرانی و... آن موقع من کلاس سوم ابتدایی بودم عاشق کتاب و کتابخوانی شدم طوریکه بیشتر رمان ها، نمایشنامه ها و آثار ادبی کلاسیک را در همان دوران عاشقانه مطالعه کردم، خلاصه پایم به کتاب و کتابخوانی باز شد و در کنار آن و با روزنامه خوانی، و گوش کردن اخبار از رادیو همانند پدر عادت روزانه ام شد. ابوالحسن همزمان با کتابخوانی و روزنامه خوانی به شاهنامه خوانی هم دلبستگی پیدا کرد. او روایتش از شاهنامه خوانی را اینگونه نوشت، پدرم شاهنامه خوان قهاری بود و علاقه من به شاهنامه هم از داستان های او و نیز اشعاری که از شاهنامه در خاطر داشت شروع شد. شاهنامه را همیشه با آواز می خواند. آوازی در گوشه هایی شبیه سوز و گداز یا مثنوی اصفهان. برایم جالب بود که یکبار هم نشد که او بدون آواز شاهنامه بخواند. چنان احترامی برای شاهنامه و فردوسی قایل بود که انگار باید تمامی آیین و رسوم این کار را هم رعایت می کرد و به جا می آورد. یاد صحبت های محمد زهرایی می افتم که می گفت برای کتاب حرمت و احترام قایل شو تا حرمت و احترام ببینی و پدر ما برای شاهنامه چنین شانی قایل بود. وقتی فوت کرد دفترچه ای (علاوه بر دفترچه خاطرات که نزد برادر بزرگم مصطفی است) از او به جا مانده بود که دغدغه های روحی و شخصی اش در روزهای آخر حیات را نشان می داد و این را از انتخاب اشعاری خاص از شاهنامه می توانستم بفهمم. نوعی مواجهه و پرسش از خود و اینکه که بود و چه کرد؟ پرسش هایی اساسی که نمی دانم آیا در روزهای پایانی زندگی ما و هر کسی به سراغش می آید یا نه؟ روزهایی که آدمی بیش از هر چیزی مرگ را حس و دریافت می کند. این دفتر را عبدالحسین گرفته بود و پیشنهاد داد که

در خیال روی تو



مصطفی مختاباد

دوم بهمن ۱۴۰۱ نام روزی است که باید آنرا روز واقعه بهمنی نام گذاشت، بهمنی که فرود آمد، تا کسی که هست را از پای در آورد ... و بجای آن تنها و تنها خیال و تصورش در خاطره ها باقی بماند، این روز ناباورانه تاریک و دردناکی که مصادف است با کوچ همیشگی ابوالحسن ما، روزی که او رخت سفر بر بست و از این جهان خاکی پرکشید تا مهمان آسمان های دور گردد، حال در گذر برق آسای سالی که از آن روز گذشت و در اولین سالگشت از این روز با نام اولین سالگرد ابوالحسن قرار گرفتیم، این روز بهمنی، بهمنی بر ما آوار کرد که تا همیشه بر جان ما سنگینی می کند، در دل این تلخکامی با نگاهی بر زیست و زندگی برق